



| روزنامه جوان | شماره ۳۴۴۶ |

گفت‌وگو
محمدصادق عابدینی

|| پنج‌شنبه ۲۵ اسفند ۱۳۹۰ | ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۴۳۳ |

معماری



بررسی پیش‌زمینه‌های دستیابی به مسکن پایدار در گفت‌وگو با دکتر سیروس باور

رقابت معماری سنتی با مدرنیته برای شهر گران تمام می‌شود

مسکن را کالایی سرمایه‌ای می‌دانند؛ کالایی که باید در مرور زمان ارزش خود را حفظ کند یا حداقل شیب کاهش ارزش آن به حدی نباشد که مالک آن دچار صدمات مالی شدیدی شود. از این رو ماندگاری و پایداری مسکن جزئی از ادغدغه‌های تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان آن به‌شمار می‌رود. پایداری از جمله مباحثی است که حتی از نظر لغوی نیز کاربرد فراوانی یافته است. در دهه‌های اخیر موضوع توسعه پایدار از سوی سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای برنامه‌ریزی در کشورها



دکتر سیروس باور

در قالب برنامه‌های بلندمدت جهت زندگی بهتر انسان‌ها پیشنهاد شده است. مسئله مسکن نیز نمی‌تواند خارج این موضوع دیده شود. رسیدن به مسکنی مناسب و پایدار که همسو و همگام با توسعه باشد، یکی از نیازهای امروز جامعه ماست اما بحث پایداری خود دارای زوایای بسیاری است و نمی‌توان آن را معطوف به یک یادو شاخص نمود. برای پرداختن به موضوع مسکن پایدار و اهمیت آن، گفت‌وگوی کوتاهی با دکتر سیروس باور، معمار و استاد دانشگاه انجام داده‌ایم.

آنکه جامعه‌ای که در آن مسکن‌ها زندگی می‌کنند، جامعه‌ای همگن باشند. در صورت ناهمگنی جامعه نیز تأثیر مسکن کم‌و‌از بین می‌رود. ما در گذشته (چند دهه پیش) شرکت شهرهای متعددی را داشتیم، کسانی که در این شرکت شهرها زندگی می‌کردند به دلیل اینکه همه یک نوع شکل داشتند و با همکاری یکدیگر آن صنعت را به وجود می‌آوردند، دارای جامعه‌ای همگن بودند و در نتیجه معمارها که باید همیشه پیشاپیش جامعه حرکت کنند و فضاهای جدیدی را برای مردم ایجاد نمایند در شرکت شهرها موفق بودند اما در شهری که افراد باروش‌های مختلف زندگی می‌کنند از فرهنگ‌های متفاوتی نیز برخوردارند، بحث پایداری معنای خود را از دست می‌دهد. در شهرهای ما کسانی هستند که فرهنگ ۱۰۰ سال پیش را تاکنون حفظ کرده‌اند تا افرادی که فرهنگ امروزی را همراه دارند، در این شرایط پایداری به وجود نمی‌آید.

پس با این حساب باید بگذاریم معماری مسکن و شهرسازی بدون هیچ‌گونه تغییر

شهرداری نقش بسیار مهمی دارد. در اروپا، زمانی



که اروپای شرقی و غربی داشتیم، تمام سیاست‌ها به نوعی بود که هماهنگی فرهنگی در جامعه اروپای غربی به وجود بیاورند. صنعت نقش مهمی در به وجود آمدن این هماهنگی داشت. مردم طی چندین دهه خواستار زندگی جدیدی شدند که بر اساس توسعه صنعتی به وجود آمده بود. ما در مورد این بحث نمی‌کنیم که این سبک زندگی بر اساس صنعتی شدن خوب یا بد بود، اما باعث شد تا مردم دارای یک سبک زندگی شود و معماران طالب آن بودند که فضاهای نوپی را با توجه به تحولات جدید و امکانات وسیعی که صنعت در اختیارشان قرار داده بود، ایجاد کنند. اینجا نقش شهرداری‌ها خیلی مهم بود. در انگلستان و شهر لندن، شهرداری قدرت بسیاری بالا دارد و حرف اول را می‌زند، حتی پادشاه و مسئولین آن کشور هم اختیارآشان در حد شهرداری نیست، چون این شهردار و تیم شهرداری است که باید یک شهر به آن بزرگی و چند میلیونی را مدیریت و اداره کنند. آنها نمی‌آیند تراکم بفروشند، نمی‌آیند بدون دلیل خیابان‌ها را تعریف کنند، در آنجا برای هر کاری که می‌خواهند انجام دهند مانند عوض کردن یک گیشه تلفن عمومی مدت‌ها مطالعه می‌شود که آیا این خرج را بکنند یا خیر؟ اما در شهرهای ما، بزرگ‌ترین فعالیت‌ها و اقدامات صورت می‌گیرد، بدون آنکه مردم از آن باخبر باشند. بدون اطلاع مردم تغییرات زیادی در شهر انجام می‌دهیم. ما بزرگ‌ترین مجموعه‌های مسکونی را برای مردم می‌سازیم و اصلاً معلوم نیست چه کسانی و به چه صورت قرار است در آنها زندگی کنند. به نظرم این بیشتر یک نوع «شو‌بیزنس» است. چندین هزار خانه در شهرستان‌ها و اطراف آنها ایجاد می‌شود و محیط اطراف شهرها را در بر می‌گیرد، فقط

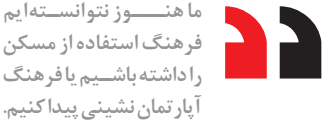
مسئله مسکن را حل می‌کند، مسائلی چون امکانات رفاهی، بهداشتی، مدارس و دسترسی‌ها در آن دیده نشده است. این ناهماهنگی‌ها باعث می‌گردد تا مسئله پایداری بی‌معنا شود.

برای تصحیح امور در آینده چه راهکارهایی به نظر تان می‌آید؟

این موضوع بسیاری از موارد را در بر می‌گیرد و نمی‌توان با آن به مانند یک فرمول ریاضی برخورد کرد. به نظر من در مرحله اول باید فرهنگ عمومی ارتقا پیدا کند. در وهله دوم باید بساری از تعصبات را کنار بگذاریم، اگر بتوانیم بدون تعصب گذشته خودمان را به روز کنیم، شرایط بسیار متفاوت خواهد شد. در مرحله سوم باید فکری به حال آپارتمان‌نشینی کرد. به چه حد می‌خواهیم به آن ارتفاع بریم، باید قوانین شهرسازی پیاده شوند، یعنی اگر هر چقدر متمول باشیم یا پارتنی داشته باشیم، شهرداری نباید زیر بار این برود که من بیشتر از حد مجاز در فضای شهری ساخت و ساز کنم.

همین مسئله فروش تراکم می‌تواند عاملی بر آشفتنگی در شهر باشد؟

بله، به عنوان مثال من به عنوان یک شخص در مرحله اول منافع شخصی خودم را در نظر می‌گیرم بدون توجه به اینکه چه ضرری به جامعه می‌زنم. شهرداری نیز منافع خود را در نظر می‌گیرد. شهرداری نباید با فروش تراکم و خراب کردن فضای شهر، از بین بردن فضای سبز شهری، در آمد پیدا کند. اگر بودجه شهرداری کم است باید از راه‌های دیگر تأمین کند نه با فروش شهر. به نظرم در مرحله بعدی باید افراد متخصص و باتجربه در رأس امور قرار گیرند که آنها بتوانند برنامه‌ریزی کنند، برنامه‌ریزی هایشان تصویب شود و هر وقت که تصویب شد غیرقابل تغییر باشد. الان ما در شهرداری طرحی داریم به نام کمیسیون ماده ۵، من با این طرح مخالفم، چون چندین سال طول می‌کشد که متخصصان طرح جامعی را برای شهر تدوین کنند، آن زمان نباید کسی برای منافع شخصی خود بایاد و این طرح را به نفع خودش تغییر دهد. این درخواست به کمیسیون ماده ۵ می‌رود، در آنجا چه کسی تعیین می‌کند که این تغییر اگر همان چیزی باشد که مهندسان و متخصصان تدوین کرده‌اند یا نه آن چیزی که منافع من می‌گوید درست است؟ در آن کمیسیون کسانی هستند که کارشان ربطی به مسائل شهری ندارد که بتوانند تشخیص دهند تغییر کاربری زمین خوب است یا خیر؟ کمیسیون ماده ۵ باید منحل شود، یعنی اگر شخصی بنا بر طرح شهری زمین یا خانه‌اش طرح طرر بود، نتواند با استفاده از این کمیسیون طرح شهری را تغییر دهد.



ما هنوز نتوانسته‌ایم فرهنگ استفاده از مسکن را داشته باشیم یا فرهنگ آپارتمان‌نشینی پیدا کنیم. ما حتی حاضر نیستیم مسئله «شارژ» مجتمع‌های آپارتمانی را به عنوان یکی از شرایط و قوانین آپارتمان‌نشینی، قبول کرده و بپذیریم. حال با این وضعیت ما هر چقدر هم که روی بحث دوجداره بودن پنجره‌ها، لوله‌های سبز یا ... مسکن‌ها را پایدار کنیم که مثلاً ۵۰ سالی عمر داشته باشند

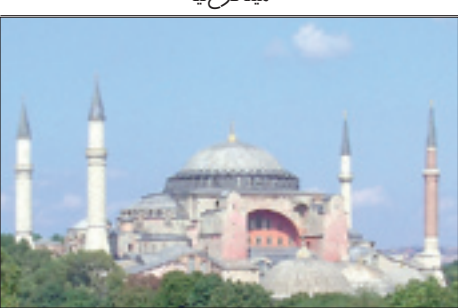
احداث مجتمع‌های مسکونی در ۴ ماه ممکن شد



با استفاده از فناوری‌های جدید ساخت و ساز، زمان لازم برای ساخت مجتمع‌های مسکونی از ۱۵ تا ۲۰ ماه فعلی به حداکثر چهارماه کاهش پیدا خواهد کرد. به گزارش ایران‌نا، مجید هدایت رئیس هیئت عامل سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (ایدرو) با بیان این خبر افزود: عملکرد پیمانکاران و تولیدکننده‌های صنعتی ساز مسکن در برند نشان داد چنانچه انبوه‌سازان به جای روش‌های سنتی، از فناوری‌های جدید ساخت و ساز استفاده کنند،

زمان لازم برای ساخت مجتمع‌های مسکونی از ۱۵ تا ۲۰ ماه فعلی به حداکثر چهارماه کاهش پیدا خواهد کرد.رئیس هیئت عامل ایدرو افزود: شرط اصلی برای ساخت مسکن در کمتر از زمان فعلی به روش صنعتی، تحویل زمین به صورت آماده‌سازی‌شده همراه با پروانه ساخت و نقشه‌های تأیید شده و لازم است برای چنین روشی، سایر عوامل ساخت‌وساز نیز با ایجاد تحول و سرعت در کار، بستر سریع‌سازی مسکن را در بازار ساخت‌وساز به وجود بیاورند. رئیس سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران خاطر نشان کرد: بار مرده ساختمان در واحدهایی که در پرنه در روش صنعتی‌سازی احداث شده‌اند، در مقایسه با ساختمان‌های سنتی ساز، حداقل ۴۰ درصد کاهش یافته است. مجید هدایت با بیان اینکه بازار صنعتی‌سازی مسکن نیازمند تولید انبوه مصالح نوین است، افزود: سرمایه‌گذاران بخش خصوصی می‌توانند با توجه به حمایت‌های مشارکتی دولت و بازار تقاضا برای این مصالح، به این حوزه نیز ورود کنند.

معرفی



نگاهی به مشهورترین مسجد تاریخی ترکیه

ایاصوفیه، پیوند معماری اسلامی –بیزلنسی

اگر بخواهیم با دیدن یک بنا به یاد کشور ترکیه بیفتیم، بی شک اولین چیزی که به یادمان خواهد آمد بنای زیبایی است در شهر استانبول؛ مسجدی بزرگ و باشکوه به نام «ایاصوفیه» که جاذبه اصلی شهر استانبول به‌شمار می‌رود؛ یادگاری از دل تاریخ که امروزه شکوه معماری اسلامی –بیزانسی را به نمایش گذاشته است. ایاصوفیه، امروزه بسیاری از گردشگران را از سراسر جهان به سوی خود می‌خواند. ایرانیان بسیاری نیز هنگام سفر به استانبول از آن بازدید می‌کنند، به دلیل معماری باشکوه و زیبایی این بنای تاریخی، بی‌مناسبت ندانستیم تا نگاهی دقیق تر به آن داشته باشیم. ■ ■ ■ ■

«ایاصوفیه» یا حاجیا صوفیا (Hagia Sophia) نام یک شاهکار هنر و معماری است؛ سازی بسیار زیبا و باشکوه که در استانبول کشور ترکیه بنا شده است. این بنا در ابتدا کلیسا بوده و سپس به مسجد تبدیل شد و در حال حاضر آن را به عنوان موزه نیز می‌شناسند. در ابتدا نام این بنا را مگاله [کلیسا به معنی «کلیسای بزرگ» نامیدند ولی بعد از آن در طول دوره‌های بعد نامش ابتدا به «ثنا سسوفیا» به معنی «حکمت مقدس» تغییر پیدا کرد، رفته رفته نام آن در گویش یونانی‌ها به نام‌های دیگری چون هاکیا صوفیا و اگیا صوفیا آن را می‌خواندند در نهایت پس از فتح استانبول تر که‌ها با ایجاد تغییراتی در نام آن، آن را «ایاصوفیه» نامیدند. حاجیا صوفیا نام دیگر این بنا به معنی فرزانه مقدس می‌باشد. ایاصوفیه در هر دوره‌ای و به روی کار آمدن امپراتوری‌های مختلف در این کشور ارج و ارزش خود را حفظ کرده است. استانبول ترکیه میزبان تمدن و تجددهای مختلف حاصل از دوره‌های متعدد امپراتوری بوده و آنها را نیز همچنان حفظ کرده است. که دو امپراتوری معروف ترکیه آتمن و بیزانتین (Byzantine empire Ottoman) می‌باشند. ایاصوفیه سازه کاملی است که در معماری و طرح‌ها و نقوش داخلی و خارجی آن می‌توان تأثیرات حاصل از فرهنگ و اعتقاد این دوره‌ها را در کنار هم دید.

■ **ایاصوفیا در گذر تاریخ**

شهر استانبول ترکیه در سال ۶۵۷ پیش از میلاد توسط مستعمره‌نشینان مگارا، شهر باستانی یونانی ساخته شد و در آن دوره نامش را به احترام پادشاه یونانی بیزاس، بیزانتیوم نامیدند، بعدها نامش به قسطنطنیه تغییر کرد و برای بیشتر از هزار سال پایتخت امپراتوری روم بود. در سال ۱۴۵۳ میلادی این شهر توسط آتمن ترک‌ها به تصرف درآمد و دوره امپراتوری بیزانس به پایان رسید(۱۴۵۳ – ۳۳۰) و در سال ۱۹۲۰ این شهر رسماً نامش به استانبول تغییر کرد.

حاجیا صوفیایی که در ابتدا جهت اجتماع مسیحیان و راز و نیاز آنها بنا شده بود، به علت دشمنی ایجاد شده بین پادشاه و روحانی کشیش (رهبر دینی محلی مسیحیان) آن دوره، به آتش کشیده شد و چیزی از آنجا نماند. روی دیوار را با آتش مجدداً حاجیا صوفیا را با عظمت و قدرت بیشتری بنا نهادند و اما این بار هم طی اختلافات به وجود آمده بین دولت و مردم و شورش‌های مردمی ایجاد شده آسیب و خسارات زیادی به بناهای تاریخی شهر وارد شد که بنای حاجیا صوفیا نیز جزو آنها بود. در نهایت به شادی که کشیده شد، در نهایت بنای سوم و به اصطلاح کلیسای سوم در دوره امپراتوری بیزانس و در سال ۵۳۲ شروع و در سال ۵۳۷ به اتمام رسید، در آن زمان ایاصوفیه بزرگ‌ترین کلیسای جهان محسوب می‌شد. در سال ۱۴۵۳ با روی کار آمدن آتمن‌ها، سلطان محمد دوم دستور داد که بلافاصله آن کلیسا را به مسجد تبدیل کنند و آن را در ۲۹ می آن سال با عنوان مسجد معرفی کردند. در این راستا رنگ کلیسا، قریانگاره‌ا از بنا حذف کردند و بسیاری از موزائیک‌های روی دیوار را با گچ پوشاندند و در طول دوره حکمرانی آتمن‌ها خصوصیات سازه‌ای اسلامی مربوط به مسجد از جمله منبر و محراب و چهار مناره را به آن اضافه کردند، در پی تغییر کلیسا به مسجد نیز به دستور سلطان یازید بی فرزند سلطان محمد، مناره جدیدی در تغییر مناره قبلی که به دستور پدرش بنا شده بود، ساخته شد. در قرن شانزدهم سلیمان بزرگ، دو شمع بسیار بزرگ را از مجارستان آورد تا آنها را در دو طرف محراب مسجد قرار دهد. در اواخر قرن شانزدهم و در دوران سلطنت سلیم دوم، معمار معروف عثمانی به نام سیان، با اضافه کردن پشتیبان‌های ساختمانی به خارج آن، سازه را مستحکم کرد که می‌توان این تغییر سازه‌ای را ناشی از تفکر مقاوم‌سازی سازه در برابر زلزله دانست که هدف سیان بود. این معمار علاوه بر این، دو مناره را در انتهای غربی ساختمان مسجد و مقبره سلطان سلیم دوم را در انتهای جنوب شرقی ساختمان بنا کرد که طی سال‌های بعد دو مقبره دیگر یعنی مقبره سلطان مراد سوم و سلطان محمد سوم در کنار مقبره سلیم دوم اضافه شدند. به همین ترتیب نیز در سال‌های بعد طی مرمت‌ها و تجدید بنا بخش‌های دیگری نیز به آن اضافه شدند. در سال ۱۷۲۹ در دوره سلطنت سلیمان محمود اول، مدرسه قرآن، کتابخانه و آشپزخانه‌ای جهت اطعام فقرا ساخته شدند. در سال ۱۷۴۰ نیز حوضی جهت وضو گرفتن در آن تعبیه شد. مهم‌ترین دوره بازسازی این مسجد را می‌توان در دوره سلطان عبدالعزیز دانست. در این دوره بازسازی این بنا با ۸۰۰ کارگر طی سال‌های ۱۸۴۷ تا ۱۸۴۹ با نظارت برادران معمار سوئیسسی –ایتالیایی، گاسپرو و جاسپف فوساتی (Gaspare and Giuseppe Fossati) انجام شد، طی این بازسازی تغییراتی که در سازه ایجاد شد عبارت بودند از: تحکیم گنبد و طاق مسجد، صاف و مستقیم ساختن ستون‌ها، تغییر و تجدیدنظر در دکوراسیون داخلی و خارجی ساختمان، تعمیر موزاییک‌ها، هم رف و نفع و اندازه‌سازی مناره‌ها، جایگزینی چراغ‌ها و لوسترهای قدیمی با انواع جدیدتر و آویزان کردن یکسری صفحات بزرگ دایره‌ای با قطر ۷/۵ متر بر ستون‌های داخلی و اسامی متبر که حک شده بود. در قرن ۱۹ از جمله تغییرات ایجاد شده در این بنا نمای خارجی پوشیده شده با گچ بود که با نظارت برادران فوساتی به رنگ زرد و قرمز تغییر داده شد. این مسجد برای بیش از ۵۰۰ سال الگویی برای ساخت مساجد دیگر در دوره آتمن‌ها از جمله مسجد سلطان احمد که به مسجد آبی نیز معروف است، مسجد سلیمانیه، مسجد رستم پاشا و مسجد جامع علی پاشا بود. این سازه تا سال ۱۹۳۱ نیز مسجداً باقی ماند. بعد از چهار سال که در آن را جهت استفاده عموم بسته بودند در سال ۱۹۳۵ به دستور اولین رئیس‌جمهور ترکیه و بنیانگذار جمهوری ترکیه، مصطفی کمال اتاترک، آن را به موزه تغییر دادند. فرش‌ها را جمع کردند و بعد از قرن‌ها، کف مرمری زیبایی مسجد در معرض دید قرار گرفت، همچنین گچ‌های سفیدی که موزائیک‌ها را پوشانده بودند جهت نمایان‌سازی مجدد موزائیک‌های زیبا و تاریخی بنا، تراشیده شدند. در جهت حفظ این اثر باستانی و تاریخی عظیم طی قرون مختلف تا به امروز مراقبت و مرمت‌های متعدد روی آن انجام داده‌اند.